



حجت‌الاسلام ذوعلم در گفت‌وگو با فصل‌نامه‌ی رشد آموزش قرآن:

جایگاه قرآن در «برنامه‌ی درسی ملی» فراتر از یک درس دیده شد

(۱)

گفت‌وگو: رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی

به تازگی، فلسفه‌ی تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران تدوین و تصویب شده است. این سند فرادستی، برای اجرا نیازمند برنامه است به همین منظور، برنامه‌ی درسی ملی در حدود چهار سال است که در حال تهیه است. نگاشت سوم این برنامه نیز رونمایی شده، در واقع، برنامه درسی ملی تکلیف محتوا، روش‌ها، ارزش‌یابی و ... را در اجرا معلوم می‌کند. گفته می‌شود، با اجرای برنامه‌ی درسی ملی، تحول مهمی در آموزش و پرورش رخ خواهد داد. برای آشنایی دبیران محترم دینی و قرآن، از این شماره، گفت‌وگو، مقالات و نوشته‌هایی در این باره در مجله رشد قرآن چاپ خواهد شد. در این شماره، توجه شما را به مصاحبه با حجت‌الاسلام علی ذوعلم، مدیر تولید برنامه‌ی درسی ملی، جلب می‌کنیم.

اشاره

«برنامه‌ی درسی ملی» یک گام در جهت تحول اساسی در نظام محتوایی آموزش و پرورش است.

«تأمل اجمالی در برنامه‌ی درسی فعلی کشور نشان می‌دهد، این برنامه ۲۰ درصد اهداف مطلوب را تأمین می‌کند و ۸۰ درصد اهداف مندرج در برنامه‌ی درسی ملی با برنامه‌ی درسی موجود تأمین نمی‌شود.»

این دو فراز، از نگاهت سوم مجموعه‌ی مفصل و ۱۲۶ صفحه‌ای «برنامه‌ی درسی ملی» استخراج شده است. طبق گفته‌ی حجت‌الاسلام ذوعلم، این برنامه آماده است تا برای بررسی و تصویب، به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه شود. در این دو فراز، دو ادعای مهم مطرح است که دست‌اندرکاران امر مدیریت و آموزش و پرورش کشور، به روشنی آن را درمی‌یابند. دگرگونی در نظام آموزش و پرورش، پس از ابلاغ این برنامه، از چنان اهمیتی برخوردار است که آحاد مردم ایران را بدان حساس کند. به این دلیل، همه‌ی مردم، خانواده‌ها، رسانه‌های ارتباط جمعی، مجامع و مراکز دانشگاهی و حوزوی، و به‌ویژه نیروهای شاغل در آموزش و پرورش و به‌طور خاص معلمان و مربیان، باید با حساسیت پی‌گیر این موضوع اساسی باشند و ضمن دقت در تمام برنامه‌ی درسی ملی، با ژرف‌نگری و نگرش انتقادی سازنده، آن را مطالعه کنند.

به سبب اهمیت «برنامه‌ی درسی ملی» و با هدف اطلاع‌رسانی به مخاطبان فصل‌نامه‌ی رشد آموزش قرآن، در مورد کلیت برنامه و جایگاه آموزش قرآن در آن، با حجت‌الاسلام ذوعلم به گفت‌وگو نشستیم. وی مسئولیت و مدیریت تهیه و تدارک و تدوین برنامه‌ی درسی ملی را به‌عهده داشت.

● خوب است جناب‌عالی ابتدا چهارچوب و نمایی کلی از «برنامه‌ی درسی ملی» برای مخاطبان فصل‌نامه‌ی رشد آموزش قرآن ترسیم بفرمایید.

■ بسم‌الله الرحمن الرحیم. اگر بخواهم خیلی به‌اختصار عرض بکنم، «برنامه‌ی درسی ملی» درحقیقت نقشه‌ی کلان محتوایی نظام آموزش و پرورش و بخش مهندسی فرهنگی جامعه‌ی ماست که متناسب با آن، قالب‌ها و چارچوب‌ها و اولویت‌های محتوایی نظام تعلیم و تربیت، براساس مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و نیازهای دانش‌آموزان در بُعد اجتماعی و اقتضای جهانی و با توجه به آسیب‌ها و کاستی‌هایی که با آن روبه‌رو هستیم، آماده شده است. امیدواریم این برنامه، آسیب‌ها و کاستی‌ها را برطرف کند.

● «برنامه‌ی درسی ملی» با برنامه‌های قبلی و در حال اجرای آموزش و پرورش چه تفاوت‌هایی دارد؟

■ تا الان ما فاقد نقشه‌ای جامع در عرصه‌ی محتوای تعلیم و تربیت عمومی بودیم. برنامه‌هایی که تاکنون داشتیم، گرچه ناظر بر بخش‌های متنوع بود، اما برنامه‌ها بدون ارتباط این بخش‌ها تدوین شده بودند. یعنی ما بعد از انقلاب هم براساس تقسیم‌بندی موضوعی و عرصه‌های یادگیری که از قبل از انقلاب وجود داشت، برخی از افزایش‌ها و کاهش‌ها را داشتیم. مثلاً در این حد که چند ساعت درسی اضافه یا کم شود، بدون بازنگری اساسی که آیا چنین نقشه و تقسیم‌بندی محتوایی مطرح، با آرمان‌های ما متناسب است یا خیر؟ تاکنون این کار نشده بود و برای اولین بار است که برای کل درس‌های تعلیم و تربیت برنامه‌ای طراحی می‌شود. این برنامه، درحقیقت قانون اساسی نظام درسی و تربیتی کشور است و به‌عنوان نقشه‌ی کامل و جامع، نسبت حوزه‌های گوناگون یادگیری را هم مشخص می‌کند و بر یک نظریه‌ی دینی و قرآنی قابل قبول از تعلیم و تربیت مبتنی است.

البته سابقه‌ی تدوین برنامه‌ی درسی ملی در جهان زیاد نیست، شاید کمتر از ۳۰ سال باشد. تعداد کشورهایی که به اهمیت این کار پی برده‌اند نیز زیاد نیست. کشورهایی که اقدام به تدوین این برنامه کرده‌اند یا آن را سفارش داده‌اند و یا از جای دیگر آن را اقتباس کرده‌اند. یعنی از امکانات و توانمندی ملی و بومی خود استفاده نکرده‌اند. اما جمهوری اسلامی ایران، به یاری خداوند متعال و با همت ملی کارشناسان و صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه، کار را انجام داده است و این امتیاز برنامه‌ی درسی ملی ما به حساب می‌آید. زیرا این برنامه اولاً با تکیه بر توانمندی بومی، و ثانیاً با تکیه بر مبانی و ارزش‌ها و آرمان‌های تربیتی اسلامی تدوین شده است.

● با توجه به این موضوع که پس از انقلاب اسلامی همواره اسلامی کردن دانشگاه‌ها در نظام آموزش عالی کشور مطرح بوده است، آیا می‌توان تدوین «برنامه‌ی درسی ملی» در آموزش و پرورش را مقدمه‌ای بر اسلامی کردن مجموعه‌ی نظام آموزشی و تعلیم و تربیتی کشور دانست؟

■ در اصل با همین انگیزه کار را شروع کرده‌ایم؛ یعنی در راستای ایجاد تحول بنیادی در نظام تعلیم و تربیت و با تکیه بر فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی. لذا بدون شک، سمت‌وسوی برنامه‌ی درسی ملی این است که به‌صورت جامع و عمیق بتوانیم مجموعه‌ی برنامه‌های درسی و آموزشی را اسلامی کنیم.

● «برنامه‌ی درسی ملی» با عنایت به امکانات موجود تدارک شده است یا باید امکانات تکمیلی مناسب با مقتضیات این برنامه فراهم آید؟

■ سؤالی مهم و نکته‌ای اساسی را مطرح کردید. اگر می‌خواستیم فراتر از وضع موجود برنامه‌ای طراحی کنیم، ممکن بود دچار آرمان‌گرایی غیرقابل تحقق بشویم، و چنین برنامه‌ای، به‌طور کامل قابلیت اجرایی پیدا نمی‌کرد. اگر هم در سطح امکانات موجود



می‌ماندیم، نگاه تحولی قابل طرح نبود. لذا میان این دو انتخاب، راه میانه‌ای را برگزیدیم و اصلی را بر اصول حاکم بر محتوا و سازمان‌دهی محتوایی آموزش و پرورش افزودیم که همان اصل «آستانه‌ی ارتقای قابلیت اجرا» است. یعنی تلقی ما در تدوین برنامه این بود؛ آن حدی را که امکانات برای ما فراهم می‌کند و می‌توانیم توسعه دهیم، لحاظ کرده‌ایم، و از حد بالاتر از اصل آستانه‌ی ارتقای قابلیت اجرا چشم پوشیده‌ایم. البته مقرر شده است که برنامه‌ی درسی ملی هر ۱۰ سال یکبار ارزش‌یابی شود تا متناسب با ارتقای توانمندی‌های انسانی، توان‌مندی‌های علمی و توانمندی‌های

کارشناسی و به موازات افزایش زمینه‌های اجرایی بیش‌تر، سیر صعودی داشته باشد و پس از هر دوره‌ی بررسی، وارد مرحله‌ی بالاتر بشویم. به‌همین علت، کوشیده‌ایم حداقل توانمندی‌های قابل تحقق در برنامه دیده شود و برنامه‌ی درسی ملی را متناسب با تجهیز آن امکانات، تدوین کرده‌ایم.

کارشناسی و به موازات افزایش زمینه‌های اجرایی بیش‌تر، سیر صعودی داشته

باشد و پس از هر دوره‌ی بررسی،

وارد مرحله‌ی بالاتر بشویم.

به‌همین علت، کوشیده‌ایم

حداقل توانمندی‌های

قابل تحقق در برنامه

دیده شود و برنامه‌ی

درسی ملی را متناسب

با تجهیز آن امکانات،

تدوین کرده‌ایم.

● فرمودید راه میانه

را برای تدوین برنامه

برگزیدید. مشخصات آن راه

با توجه به نظام کنونی آموزش و

پرورش چیست؟

این حد در عرصه‌های گوناگون تعریف متفاوت دارد. برای مثال، در حوزه‌های یادگیری و توزیع زمان یادگیری بین حوزه‌های گوناگون، در حال حاضر متخصصان آموزش و پرورش، یعنی دبیران فیزیک، شیمی، دینی و قرآن، ادبیات، ریاضی و دیگر رشته‌ها را در حال فعالیت داریم و با سازمان‌دهی کنونی نیروی انسانی آموزش و پرورش، خیلی نخواهیم توانست زمان‌بندی را جابه‌جا کنیم. ولی ۲۰ تا ۲۵ درصد امکان جابه‌جایی داریم. با توجه به زمان کامل اجرای برنامه که ۱۱ سال پیش‌بینی شده است، و فرض ما این است که در این ۱۱ سال، نیروهای کنونی آموزش و پرورش جای خود را به نیروهای تازه‌نفس خواهند داد، این جابه‌جایی فرصتی را فراهم می‌کند تا آموزش و پرورش بتواند نیروهای خود را با توجه به برنامه‌ی درسی ملی انتخاب و گزینش کند.

برآورد شده است که تغییر ۶۰ تا ۷۰ درصدی در سازمان ملی نیروی انسانی در مدت ۱۰ سال ممکن نیست، اما در برنامه‌ی درسی ملی هم، خود را به‌طور کامل با وضع موجود منطبق نکرده‌ایم و میزان انعطاف‌پذیری نیروی انسانی را در مدت ۱۱ سال دیده‌ایم. در مورد فضای آموزشی هم مشخص است که آموزش و پرورش

● اکنون تدوین برنامه‌ی درسی ملی در چه

مرحله‌ای جریان دارد؟ فکر می‌کنید

کی مراحل آزمایشی برنامه آغاز

خواهد شد؟

■ طبق مصوبه‌ی شورای

عالی آموزش و پرورش،

ما باید تا اردیبهشت

ماه سال ۸۹ برنامه را به

این شورا ارائه می‌دادیم.

متأسفانه نتوانستیم، زیرا

با آن که تقریباً چهار سال

روی برنامه کار شده بود، لازم

بود کمیته‌های تخصصی کار

بیش‌تری انجام دهند. خوش‌بختانه در

حال حاضر، برنامه در مرحله‌ای قرار دارد

که می‌توانیم آن را به شورای عالی آموزش و پرورش

تحویل دهیم.

نگاشت سوم برنامه‌ی درسی ملی در آذرماه ۸۸ به اتمام رسید

و در کمیته‌ی تولید و تدوین نیز مطرح شد و مورد بحث قرار گرفت.

اکنون تقریباً با مجموعه‌ی دست‌اندرکاران تولید برنامه‌ی درسی

ملی، به توافق خوبی رسیده‌ایم و آماده‌ی ارائه‌ی آن به شورای عالی

آموزش و پرورش هستیم.

در حال حاضر، شورا مشغول بررسی سند ملی آموزش و

پرورش است. بعد از اتمام بررسی سند ملی، بررسی برنامه‌ی درسی

ملی را در دستور کار خود قرار خواهد داد.

● تا سال ۱۳۹۰ برنامه‌ی درسی ملی برای اجرا ابلاغ

می‌شود؟

■ بعد از تصویب برنامه در شورای عالی آموزش و پرورش و ابلاغ

آن، پیش‌بینی شده است که سه سال فرصت لازم است تا مرحله‌ی

اول برنامه اجرا شود.

مرحله‌ی اول اجرا، «مرحله‌ی ستادی» تعریف شده است. در

این مرحله، گروه‌های درسی باید متناسب با حوزه‌های یادگیری

سازمان‌دهی شوند. کارشناسان آموزش‌های لازم را بینند.

یکه از نکات مهمی که در مبانی تربیت اسلامی دیده می‌شود، موضوع محور بودن معلم و مربی است

کارگاه‌های تخصصی تشکیل شوند. «تدوین راهنمای برنامه‌ی درسی جدید» یا «اصلاح راهنمای برنامه‌ی درسی موجود»، متناسب با جهت‌گیری‌ها و اهداف برنامه‌ی درسی ملی، اقدام دیگری است که باید انجام گیرد. این کارها باید در مدت سه سال و قبل از اجرای برنامه در مدارس به پایان برسد.

سه سال نیز در مرحله‌ی صف لازم است تا مدارس مجری آمادگی پیدا کنند؛ یعنی به مدیران، دبیران و معلمان آموزش لازم داده شود. به‌ویژه، کارشناسان استان‌ها که مسئولان و دست‌اندرکاران اجرا و نظارت و حمایت از اجرای برنامه‌اند، باید آموزش‌های لازم را

ببینند. بنابراین سه سال مرحله‌ی صف، صرف آماده‌کردن حداقل زیرساخت‌های لازم برای اجرا خواهد شد.

پس از این دوره، پیش‌بینی شده است که اجرای برنامه هم‌زمان در سطح پنج درصد از دانش‌آموزان پایه‌ی اول دبستان و پایه‌ی اول متوسطه آغاز شود. این رقم، در سال دوم اجرا به ۳۰ درصد افزایش می‌یابد و ۵ درصد نیز از پایه‌ی دوم متوسطه اضافه می‌شوند. برای اجرای سراسری در هر پایه دو سال فرصت داریم.

به امید خداوند، اگر در سال ۱۳۸۹ برنامه‌ی

درسی ملی به ما ابلاغ شود، ما از سال ۱۳۹۲ قادریم برنامه را در سطح پنج درصد از دانش‌آموزان در پایه‌ی اول ابتدایی و پایه‌ی اول دبیرستان اجرا کنیم و دو سال بعد، یعنی در سال ۱۳۹۴ به اجرای سراسری آن اقدام کنیم. اجرای کامل برنامه‌ی درسی ملی در دوره‌ی ابتدایی و دوره‌ی متوسطه شش سال به طول می‌انجامد.

● آیا برنامه‌ی درسی ملی با برنامه‌ی کلان سند چشم‌انداز توسعه‌ی کشور در سال ۱۴۰۴ هم متناسب است؟

■ یکی از اسناد بالادستی در تولید برنامه‌ی درسی ملی در بحث اهداف تفصیلی، سند چشم‌انداز توسعه‌ی کشور در سال ۱۴۰۴ بود. با این توضیح که آن‌چه در برنامه‌ی درسی ملی دیده شده است، از برنامه‌ی توسعه‌ی کشور در سال ۱۴۰۴ فراتر می‌رود و تحولی بنیادین در حوزه‌ی یادگیری تلقی می‌شود. به همین سبب، آن الزامات سند چشم‌انداز، در بخشی از اهداف تفصیلی مؤثر بوده است. در این برنامه، تحقق برخی از اهداف تربیتی و آموزشی به زمانی بیش از ۲۰ سال نیاز دارد. در این بخش‌ها، اسناد بالادستی در تدوین برنامه‌ی درسی ملی، قانون اساسی، دیدگاه حضرت امام

خمينی(ره) و دیدگاه مقام معظم رهبری بوده‌اند.

● بحث مهم و اساسی پس از انقلاب اسلامی تا به امروز، موضوع تربیت معلم است. متأسفانه هنوز این عرصه گرفتار سلیقه است و برنامه‌ای درازمدت و آینده‌نگر نداریم. آیا دست‌اندرکاران تدوین سند برنامه‌ی درسی ملی به این مهم توجه کرده‌اند؟

■ یکی از نکات مهمی که در مبانی تربیت اسلامی دیده می‌شود، موضوع محور بودن معلم و مربی است که خوش‌بختانه در برنامه‌ی درسی ملی هم به آن توجه کامل شده است. یکی از اصول

هشت‌گانه‌ی حاکم بر برنامه‌های درسی

و تربیتی که از مجموعه‌ی مبانی نتیجه

شده است، اصل محوریت معلم

در فرایند یاددهی و یادگیری

است.

در فصل چهارم

سند هم، در بخشی،

تلقی نسبت به محیط

یادگیری و معلم و

مربی را ذکر کرده‌ایم.

در این تلقی، معلم

و مربی صرفاً انتقال

دهنده‌ی محتوا نیست؟

و عنصر صرفاً منفعل شمرده

نمی‌شود، بلکه در درجه‌ی اول

الگویی اخلاقی و معنوی و علمی است.

معلم راهبری یادگیری را به عهده دارد. زمینه‌ساز

رشد عقلانی، ایمانی، علمی و عملی و اخلاقی متربیبان است. معلم به عنوان یک نیروی برنامه‌ریز درسی و تربیتی، جایگاه برجسته‌ای دارد. فرصت‌های مناسب یادگیری و یاددهی را معلم برای متربی فراهم می‌کند. در این سند، از معلم و مربی هم به‌عنوان خود یادگیرنده‌ی مادام‌العمر یاد شده است که به‌صورت مستمر باید در جهت ارتقای علمی و تربیتی و اخلاقی خود بکوشد.

متأسفانه تلقی رایج کنونی ما از معلمان و مربیان در مدارس این است که آنان فقط وظیفه دارند، بسته‌ی محتوایی را که در قالب کتاب، برنامه و فعالیت خاص آماده شده، اجرا کنند. یعنی مجری صرف به شمار می‌روند.

دیدگاهی را که در برنامه‌ی درسی ملی بدان تأکید شده است، در مقدمات و استلزامات اجرای برنامه‌ی درسی ملی هم، انتقال آن را به معلمان و مربیان مطرح کرده‌ایم، زیرا تا وقتی معلمان و مربیان و مدیران مدارس با دیدگاه حاکم بر برنامه‌ی درسی ملی و مبانی تربیتی آن آشنا و همسو نشوند، اجرای برنامه‌ی درسی ملی ممکن نیست. تا این حد را ما در برنامه آورده‌ایم، اما بیش از این



حد را که در قالب‌های اجرایی و برنامه‌های عملیاتی می‌گنجد، از الزامات برنامه‌ی درسی ملی نیست. به این دلیل که از شش زیر نظام که در سند ملی آموزش و پرورش آمده‌اند، یکی زیر نظام برنامه‌ی درسی ملی و یکی هم زیر نظام منابع انسانی است که به صورت مستقل و در جای دیگر باید بدان بپردازند. اما این نکته مهم است که برنامه‌ی درسی ملی، به سهم خود، به شکل شایسته به اصلاح و تصحیح جایگاه معلمان و مربیان پرداخته است.

● **می‌دانیم بحث تعلیم و تربیت بحثی انتزاعی نیست و فقط به مدارس منحصر نمی‌شود، بلکه از جوانب گوناگون نیروهایی بر آن وارد می‌شود، آیا در مورد چنین دغدغه‌ای، در برنامه‌ی درسی ملی حساسی باز شده است؟**

■ کار اصلی برنامه‌ی درسی ملی این بوده است که در حقیقت بتواند عوامل و عناصر گوناگون آموزش و پرورش را باهم همسو و هماهنگ کند. لذا این مشکل است که ما داریم و با توجه به پرسش، مشکل دوتا می‌شود: یکی عدم همسویی نهادهای اجتماعی تأثیرگذار بر تربیت، مثل رسانه‌های ارتباط جمعی، آموزش و پرورش، خانواده‌ها و از این قبیل. و دیگری هم مشکلی که در آموزش و پرورش وجود دارد، بعضی ناهم‌سویی عناصر اصلی تأثیرگذار در این نهاد مهم. برای مثال، درس دینی نوعی جهت‌گیری برای دانش‌آموزان تعیین می‌کند و درس زیست‌شناسی جهت‌گیری دیگر. فارسی جهت‌گیری خود را دارد و جهت‌گیری‌هایی که درس‌های تاریخ، علوم و... دارند، متفاوت است. برنامه‌ی درسی ملی در صدد است حداقل این عوامل و عناصر را با یکدیگر هم‌جهت کنند و فضای مدرسه و کل آموزش و پرورش را دارای سمت و سوی روشن و مشخص در یک جهت و هم‌افزا کند.

اما همسو کردن سایر نهادهای مؤثر بر تعلیم و تربیت در خارج از آموزش و پرورش، با شورای عالی انقلاب فرهنگی است که در سند ملی آموزش و پرورش بدان اشاره شده است. البته ما هم در این برنامه، استفاده از فضاهای یادگیری متفاوت و خارج از کلاس را که از طرف دستگاه‌های دیگر مدیریت می‌شود، مورد توجه قرار داده‌ایم. این تعامل سبب نوعی هم‌سویی و هم‌افزایی خواهد شد.

● **هم‌اکنون در آموزش و پرورش، دوره‌های ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی رسمی هستند. آیا در برنامه‌ی درسی ملی دوره‌ها تغییر کرده‌اند؟**

■ در این برنامه، در ساختار آموزش و پرورش، یک‌سال دوره‌ی پیش‌دبستانی گنجانده شده است. این دوره انعطاف‌پذیر در نظر گرفته شده است، به این صورت که نوباوگان بخشی از این دوره را در محیط خانواده می‌گذرانند تا مجبور به حضور در مرکز خارج

از خانه‌ی خود نباشند که نکته‌ی خیلی ظریفی است. بعد از دوره‌ی یک‌ساله‌ی پیش‌دبستانی، دبستان آغاز می‌شود. بچه‌ها در پایان شش‌سالگی وارد دوره‌ی شش‌ساله‌ی دبستان می‌شوند. یعنی سن خروج آنان از دبستان، ۱۲ سالگی است.

بعد، دوره‌ی راهنمایی یا دوره‌ی اول متوسطه سه ساله است. در دوره‌ی دوم متوسطه که زمان آن نیز سه سال می‌شود، دانش‌آموزان در یکی از سه شاخه‌ی نظری، فنی و حرفه‌ای، و کارودانش ادامه‌ی تحصیل خواهند داد. البته به‌انتخاب خودشان و بدین ترتیب، دوره‌ی دو ساله‌ی نیمه‌تخصصی کنونی، به سه‌سال افزایش می‌یابد و دوره‌ی عمومی از هشت سال حال حاضر، نه‌سال می‌شود. در ساختار جدید، دوره‌ی پیش‌دانشگاهی جایگاهی نخواهد داشت و آن چه در شورای عالی آموزش و پرورش تصویب شد، همسو با یافته‌های برنامه‌ی درسی ملی است، مگر درباره‌ی دوره‌ی پیش‌دبستانی که شورای عالی آموزش و پرورش درباره‌ی آن بحثی نکرده است. ما امیدواریم و تأکید داریم که نظام آموزشی ما بتواند این دوره را رسمیت بخشد. به‌ویژه کودکان کشور در مناطق مرزی یا در مناطق دوزبانه به دوره‌ی پیش‌دبستانی نیاز دارند و لازم است چنین فرصتی در اختیار همه‌ی بچه‌ها و به‌ویژه این گروه قرار گیرد.

● **اگر جناب‌عالی درباره کلیت برنامه‌ی درسی ملی توضیحی دارید، بفرمایید تا بخش دیگر پرسش‌ها را با شما در میان بگذاریم.**

■ برنامه‌ی درسی ملی، سند بسیار مفصلی است در ۱۲۶ صفحه و هشت فصل و بخش‌های گوناگون و گزاره‌های متفاوت دارد. خواهش بنده از همکارانی که گفت‌وگوی ما را می‌خوانند، این است که به متن کامل سند رجوع کنند.

● **چگونه می‌توان متن کامل سند را به‌دست آورد؟**

■ این سند هم در سایت دفتر تألیف کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش قرار دارد و هم در اختیار ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها و ادارات، مناطق و نواحی و شهرستان‌ها. به‌هرحال، جوینده یابنده است. همکاران باید به دقت روی مفاد این سند تأمل کنند؛ به‌ویژه روی بخش‌هایی که به همکاران فرهنگی ما در سطح مدارس مربوط می‌شود، در این بخش‌ها آن چه به حوزه‌ی یادگیری، مربی و مربی مربوط می‌شود، در «الگوی هدف‌گذاری درسی و تربیت» آمده است. واقعاً نمی‌توان بدون فهم عمیق و درک همدلانه از الگوی هدف‌گذاری، به قابلیت‌های آن تحقق بخشید. امیدواریم در دوره‌های آموزشی که برای همکاران برگزار می‌شود، موضوع‌های مربوط تبیین شوند. اما قبل از برگزاری دوره‌های مورد نظر، داشتن آگاهی از مفاد مطالب می‌تواند ما را در اجرای برنامه‌ی درسی ملی یاری کند.

